

جهت دریافت فایل WORD این مقاله و هزاران مقاله دیگر به سایت زیر مراجعه شود

جایگاه زنان در شاهنامه doc.Filedc.com

از نگاه پژوهشگران ایرانی و خارجی را توضیح دهید و مقالات مرتبط با آن را یا برایم بفرستید یا آدرس آنها را بدهید. متشکرم

دوست خوب، درباره ی جایگاه زنان در شاهنامه بسیار حرف زده شده است. بعضی ها معتقدند که بدلیل تفکر پدرسالارانه ی حاکم بر شاهنامه، زنان از جایگاه خوبی در شاهنامه برخوردار نیستند. برخی معتقدند ابیات بسیاری از جمله: "زن و ازدها هر دو در خاک به – زمین پاک از این هر دو ناپاک به" جزو ابیات الحاقی است و آنها را قبول ندارند (معنای این بیت را در کتاب پژوهشی ام پس از ۱۰ صفحه مقدمه بر آن آورده ام).

دوباره و دوباره تکرار می کنم که داستان های شاهنامه را نمی توان بیرون از عصری که اتفاق افتاده است، درک کرد. در ساختمان پژوهش ابتدایی اما پایه ای ام در کتاب "شناخت شاهنامه" چهار عصری را که تحولات شاهنامه را در آن تقسیم کرده ام آمده است.

۱. در عصر طلایی جمشید، محور و تکیه ی داستان ها بر پدران است. این عصر، عصر پدران و شکارچیان است و زنان نقاش فعالی در این دوره ندارند و اگر حرفی در مورد آنها زده نمی شود بخاطر آن است که آنها در پشت پرده ی ماجراها بسر می برند.

۲. با فریدون عصر نقره ی مادران و برزگران آغاز می شود. در خیلی از داستان های شاهنامه به ویژگی های این عصر اشاره می شود: "درختی بکشتم بباغ بهشت – کزان بارورتر فریدون نکشت." در این عصر محور داستان ها و همچنین انتقال سلسله ی پادشاهی به کمک مادران و یا به واسطه ی زنان انجام پذیر است. در این عصر مادر فریدون و همسر منوچهر از بهترین مثال ها هستند.

در هنگام تحول عصر نقره به عصر بعدی یعنی عصر برنز سلسله ی پهلوانان سیستانی بوجود می آیند. در این گذر، دختر رستم، بانوی آذرگشسب یکی از چهره های دیگر زنان شاهنامه است با شخصیتی جنگجو و بسیار خشن.

۳. عصر برنز کیانیان با پادشاهی کیکاووس آغاز می شود. این عصر در واقع عصر پسران است و به همین دلیل این دوران بر کشمکش بین پدران و پسران تکیه دارد و تقریباً تمامی داستان های این عصر، مانند: کیکاووس و سیاوش، رستم و سهراب، لهراسپ و گشتاسپ، و نبرد بزرگ رستم و اسفندیار در این باب هستند. زنان این دوره یا رفتاری خشن دارند مانند سودابه و گردافرید که خود جنگجوست، و یا دوباره مانند عصر طلایی در پشت پرده ی ماجراها بسر می برند و دخالت مستقیمی در روند داستان ها ندارند. اما با دخالت مستقیم زنان، یعنی سودابه و تهمنه در داستان های سیاوش و سهراب شاهد بر آن هستیم که این رابطه ها با بانوان مشکل بوجود می آورند که دوباره با مسئله ی انتقال قدرت و کشمکش های میان پدران و پسران در همین عصر ارتباط دارد. دوران، دوران پهلوانی و نبرد است و نزدیکی کردن با زنان حتی مشکل ساز.

همچنین جهت دریافت فایل ورد می توانید به نزدیکترین کافی نت مراجعه کرده و از مسئول کافی نت فایل را بگیرید

با توجه به همکاری سایت filedc.com با کافی نت ها، فایل ورد این مقاله در اختیار کافی نت ها قرار گرفته است

جهت دریافت فایل WORD این مقاله و هزاران مقاله دیگر به سایت زیر مراجعه شود

doc.Filedc.com

پس از نبرد بزرگ دو پهلوان بزرگ، رستم و اسفندیار، عصر پسران کیانی و یا پهلوانان با مرگ اسفندیار و پس از او رستم به پایان می رسد.

۴. عصر آخر، دوران نیمه تاریخی آهن است که تقریباً با پادشاهی هُمای چهارزاد آغاز می گردد و با یزدگرد سوم به پایان می رسد. این دوران را همچنین دوران تجار نام گذاشته ام. ویژگی های این عصر آن است که تمامی ماجراها و تم های مختلفی را که در سه عصر نخستین مشاهده کردیم در این عصر مشاهده می شود. از رزم قهرمان با اژدها گرفته تا زنان قهرمان و داستان های دینی و ...

دوست خوبم، به نظر من شما جایگاه زنان در شاهنامه را باید در این ساختمان دوران های چهارگانه مشاهده کنید. به غیر از این روش، تمامی داستان ها معانی حفظ شده ی هزار ساله ی خود را از دست می دهند و همچنین اوقات بسیار زیادی از وقت شما برای پیدا کردن معانی منطقی و خوب در شاهنامه تلف می شود.

سعی کنید خود بدنبال نوشته های پژوهشگران ایرانی و خارجی بروید، متأسفانه من وقت این کار را ندارم. و همانگونه که در بالا توضیح داده ام من از روش دیگری استفاده می کنم که به نظرم بسیار سازنده تر و مفهوم دارتر است.

برای بررسی جایگاه زن در شاهنامه، نخستین افسانه ای که می تواند به ویر پژوهنده برسد، بی گمان داستان رزم گردآفرید با سهراب است. این داستان اگر چه در برابر داستانهای دیگر کوتاه است ولی نکته های ریز و آموزنده ای در خود دارد که بایسته است به آنها پرداخته شود. این داستان برآستی یکی از فرازهای شاهنامه است. خود. واژه ی «گردآفرید» به معنای «پهلوان زاده» است. در این داستان گردآفرید دختر زیباروی، پهلوانی و جنگاوری و افسونگری را درمی آمیزد و رزم آورده و نیرنگ می سازد. اما در این داستان از دل «نیرنگ» و «افسونگری»، معنای تازه ای بیرون کشیده می شود و بیکباره خواننده می تواند این نیرنگ ها و افسون ها را حتی ستایش کند!

او یک تنه به کار از درآمده و بانگ همآورد خواهی برمی آورد و شگفتا که جز سهراب کسی که پشت رستم را به خاک می زند- کسی را از میان آن همه سپاهیان، دل رزم و رویاروی با گردآفرید نیست! پهلوانانه می جنگد و زمانی که سهراب از دختر بودن او آگاه می شود، از خرد خود بهره گرفته و افسونی در کار می کند و چهره گشوده و روی زیبای خود را به سهراب می نمایاند. آنگاه سهراب را که دلباخته ی پهلوانی و زنانگی او شده فریب داده و به او دل استواری می دهد که هم خود و هم دژ سپید را به او وا خواهد گذاشت... سهراب در پی او به پای دژ می رود. در درون دژ پدرش گردآفرید، گژدهم به پیشواز دختر خود آمده و به گونه ای به او می فهماند این نیرنگ - که در راه ایران کرده ای- نکوهیده و پلید نیست:

بر دختر آمد همی گژدهم ابا نام داران و گردان بهم

بگفتش که ای نیک دل شـیر زن پـر غـم بد از تو دل انجمن
که هم رزم جستی هم افسون و رنگ نیامد زکار تو بر دوده ننگ

گردآفرید بر بالای دژ رفته و با سخنان نیشدار، سهراب را که از پایین به او می نگرد خوار می دارد و به او می گوید که سزاوار پیوند با یک زن ایرانی نیست! بیاد داشته باشیم که در این افسانه فردوسی گوشزد می کند

همچنین جهت دریافت فایل ورد می توانید به نزدیکترین کافی نت مراجعه کرده و از مسئول کافی نت فایل را بگیرید

با توجه به همکاری سایت filedc.com با کافی نت ها، فایل ورد این مقاله در اختیار کافی نت ها قرار گرفته است

جهت دریافت فایل WORD این مقاله و هزاران مقاله دیگر به سایت زیر مراجعه شود

doc.Filedc.com

که کوشش و رزم و نیرنگ و افسون و پاسداری از ایران و ایران‌داری و مرد نمی شناسد. یک زن اینچنین می تواند با بهره جستن از ویژگی های زنانه ی خویش به یاری ایران بشتابد و حتی جایگاهی فراتر از مردان بیابد. پیمان شکنی و خوارداشت و نیرنگ همان گونه که در میان دیگر کهرمانان مرد شاهنامه که در راه پاسداری از ایران می جنگند- معنایی دیگر دارد و نکوهیده نمی شود، برای این زن پهلوان نیز نکوهیده نیست و حتی به وارونه ستایش می شود. فردوسی بزرگ در اینجا به برتری زنان اشاره دارد که افزون بر برابری در نیروی بازو و خرد، می توانند با بهره گیری از ویژگی های زنانه ی خود توانمندترین و خردمندترین پهلوانان مرد را نیز به زانو درآورند.

برای پی بردن به جایگاه والای زنان در شاهنامه، بسنده است که به داستانهای: رودابه، شهبانوی کابلستان(سیندخت)، گردآفرید، کتایون، منیژه و.... در شاهنامه بنگیریم. بیاد داشته باشیم اسپاسی را که فردوسی و افسانه های او در آن بوده! در زمانی کمابیش نزدیک به فردوسی، در باختر به اصطلاح مردم سالار(یونان/روم) زنان به همراه بردگان، حتی انسان شناخته نمی شدند و حق رای نداشتند در حالی که در ایران نزدیک به همان دوران یعنی دوران ساسانی، زنان -حال به هر انگیزه ای- به جایگاه شاهی رسیده اند. از همین روی است که فردوسی بزرگ نیز در شاهکار خود جایگاهی برابر و یکسان به زنان می دهد چرا که او نیز پرورش یافته ی این فرهنگ است.

ناآگاهان و کینه داران به فرهنگ و شکوه ایران، کوشیده اند به گونه ای با جدا کردن بخشی از سروده های فردوسی و نهادن آن در میان، فردوسی و ایرانیان را زن ستیز بازشناسانند! برای نمونه:

چو با زن پس پرده باشد جوانبماند منش پست و تیره روان

ولی اگر در شاهنامه خوب نگریسته شود و به ژرفنای سخن پی برده شود، می بینیم که فردوسی هرگز پادزان نبوده است و بارها خرد و نیکی را در منش زنان ستوده است. ولی باید دانست که همانگونه که بازیگران مرد و نرینه ی شاهنامه -این دفتر فرزانی- بد و خوب دارند، بازیگران زن و مادینه هم بد و خوب دارند! برای نمونه، در داستان پرآب چشم سیاوش که سودابه بازیگری منفی زنانه دارد- از زن بد سخن رانده شده، که این بازیگر می توانست مرد هم باشد و به سخن دیگر پیوندی با جنسیت بازیگر و زن بودنش ندارد.

در شاهنامه زنانی را می بینیم که چنان آزاد و خردمند و نیرومند هستند، که امروزه -حتی با موج برابر سازی حقوق زن و مرد که در جهان راه افتاده- بسادگی می توانند الگوی زنان باشند. برای پی بردن به این پرسمان بسنده است که به تابوشکنی ها و چیرگی بر سنت های نادرست و زن ستیز اجتماع و خانواده و تیره ها که به دست زنان در شاهنامه انجام می شود با دید ژرفتری نگریسته شود. گناه بر گردن فردوسی نیست که زنان و مردان ما امروز این داستان ها را نمی خوانند و از آنها پند و الگو نمی گیرند! و به وارونه از سر ناآگاهی او را زن ستیز می انگارند!

زنان ما باید که با بهره گیری از همین بن مایه های میهنی جایگاه والای خود را بشناسند و سپس با پیوند زدن این پیشینه ی روشن و افتخارآمیز با روشهای نوین و هماهنگ جهانی به سوی برابری حقوق از دست رفته ی خود گام بردارند.

<http://forums.webramz.com/showthread.php?t=۳۴۵۴>